



بررسی میزان تاثیر گذاری نظام حقوقی بر پاکی روح و روان مجرم

توحید درخشان^۱ مبین ابوالحسنی^۲

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو - دانشکده سهند

۲. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو - دانشکده سهند

tohiderakhshan1994@gmail.com

abolhasanimobin83@gmail.com

چکیده

در نظام حقوقی یک جامعه هدف از قوانین مجازات برای رسیدن به یک عدالت اجتماعی پایدار و آرامش و اطمینان خاطر افراد جامعه است تا با در نظر گرفتن اینکه تمامی قوانین برای این است که انسان در جامعه از قوانین ظالمانه در امان بوده و حق از پیش مشخص شده خود را بداند و برای زندگی در جامعه احساس امنیت کند از طرفی بداند که اگر مجرم باشد و مرتکب خلافی شود تحت تعقیب قانون است و علاوه بر جرایمی که باید بپردازد حیثیت اجتماعی او زیر سوال خواهد رفت و برای همین بیشتر در رفتار و گفتار و اعمالش دقت می کند و از ضربه زدن به دیگران خودداری خواهد کرد. این مقاله به بررسی میزان تاثیرگذاری نظام حقوقی بر پاکی روح و روان مجرم می پردازد. با استفاده از روش تحقیق تحلیلی توصیفی و مطالعه منابع کتابخانه ای، به تحلیل ابعاد مختلف نظام حقوقی، اهداف مجازات، و نقش پیشگیری از جرم در تزکیه نفس مجرمین پرداخته شده است. یافته ها نشان می دهد که نظام حقوقی مبتنی بر آموزه های دینی و اخلاقی می تواند به طور معناداری بر پاکی روح و روان مجرم تاثیر بگذارد، مشروط بر اینکه اصولی چون فردی سازی مجازات، تناسب جرم و مجازات، و توجه به بازپروری مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود سیاست های کیفری و تقویت نقش نظام حقوقی در تهذیب نفس مجرمین ارائه شده است.

کلمات کلیدی: مجازات حقوقی، قوانین حقوقی، روح و روان مجرم، تزکیه نفس مجرم، قوانین اسلامی

مقدمه

نظام حقوقی به عنوان یکی از نهادهای اساسی جامعه، نه تنها مسئول حفظ نظم و امنیت است، بلکه نقش مهمی در اصلاح و بازپروری مجرمین ایفا می کند. بررسی میزان تاثیرگذاری این نظام بر پاکی روح و روان مجرم، نیازمند تحلیل اهداف مجازات، مبانی اخلاقی و دینی جرم انگاری، و روش های پیشگیری از جرم است. این مقاله با بهره گیری از منابع معتبر و مطالعات تطبیقی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش اساسی است که آیا نظام حقوقی می تواند به پاکی روح و روان مجرم کمک کند و اگر چنین است، چه عواملی در این تاثیرگذاری نقش دارند؟ [5-1] عدالت کیفری همواره با دو پرسش بنیادین روبرو بوده است: جامعه چگونه باید با متخلفان خود رفتار کند؟ و هدف نهایی این رفتار چیست؟

در طول تاریخ، پاسخ به این پرسش ها بین دو قطب سزاگرایی صرف و اصلاح و بازپروری در نوسان بوده است. نظام های حقوقی سنتی، اغلب بر مجازات و تنبیه بدن مدار تاکید داشتند، با این فرض که رنج و درد، خود به خود موجب عبرت و بازدارندگی می شود. اما در سپهر حقوقی مدرن، این پرسش مطرح می شود که آیا هدف غایی قانون، تنها اعمال مجازات و ایجاد ترس است، یا فراتر از آن، می تواند به پالایش درون و تزکیه روح فرد متخلف نیز بینجامد؟ این مقاله با عنوان بررسی میزان تاثیرگذاری نظام حقوقی بر پاکی روح و روان مجرم در پی واکاوی همین مسئله محوری است. آیا قوانین، سازوکارهای دادرسی و شیوه های اجرای مجازات می توانند نه تنها به عنوان ابزاری برای تنبیه، بلکه به مثابه بستری برای توبه،



خلاقیت و بازگشت به جامعه عمل کنند و در نهایت به پاک‌ی روان مجرم کمک نمایند؟ یا اینکه ذات قهری و اجبارگرایانه نظام‌های حقوقی، همواره مانعی در برابر چنین تحول درونی‌ای محسوب می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، این پژوهش به بررسی ابعاد گوناگونی می‌پردازد [6]: نخست، به تحلیل مفهوم پاک‌ی روح و روان از منظر فلسفه اخلاق و روانشناسی اصلاح و تربیت می‌پردازیم و آن را در تقابل با مفاهیمی چون مجازات و تنبیه قرار می‌دهیم. سپس، نقش عدالت ترمیمی به جای عدالت سزادهنده را به عنوان الگویی که گفت‌وگو، پذیرش مسئولیت و جبران خسارت را جایگزین مجازات‌های صرف می‌کند، تحلیل خواهیم کرد. در ادامه، به تأثیر شیوه‌های نوین اجرای مجازات مانند زندان‌های اصلاح‌گر، خدمات عمومی و برنامه‌های آموزشی و درمانی در فرآیند بازسازی شخصیت مجرم توجه می‌شود [7]. همچنین، این مقاله به تأثیر غیرمستقیم نهادهایی مانند عفو، بخشش و مرور زمان در ایجاد امید و انگیزه برای تغییر در مجرمین خواهد پرداخت. در نهایت، با نگاهی انتقادی، موانع ساختاری، فرهنگی و اقتصادی موجود در نظام‌های حقوقی که ممکن است سد راه این تحول معنوی شوند، مورد بحث قرار می‌گیرد. فرضیه اصلی این مقاله آن است که یک نظام حقوقی کارآمد و انسانی، با بهره‌گیری از ابزارهای اصلاح‌گرایانه و ترمیمی، می‌تواند نه تنها برای جامعه امنیت به ارمغان آورد، بلکه زمینه‌ساز تولد دوباره و پالایش روح مجرم بوده و او را به شهروندی مسئول تبدیل کند. بر این اساس، موفقیت یک نظام حقوقی را نباید صرفاً در میزان کاهش آمار جرم، که در میزان افزایش تاب‌آوری، پاک‌ی روان و بازاجتماعی‌شدن افرادی که روزی مرتکب خطا شده‌اند، جستجو کرد.

پیشینه تحقیق

منابع پایه و نظری

این منابع به تئوری‌های اصلی هدف مجازات‌ها می‌پردازند که مستقیماً با مفهوم پاک‌ی روح مرتبط هستند.

الف-نظریه‌های کیفری:

نظریه‌های سزادهی، این نظریه بر این ایده استوار است که مجرم باید به دلیل عملی که مرتکب شده است، رنج بکشد. در این دیدگاه، پاک‌ی ممکن است از طریق تحقق عدالت و پرداخت بهای جرم حاصل شود [10].

ب:نظریه‌های فایده‌گرایانه

هدف مجازات، منفعت اجتماعی مانند بازدارندگی، سودمندسازی است. در اینجا پاک‌ی روان ممکن است معادل و بازپروری موفقیت‌آمیز باشد.

ج:نظریه‌های بازپروری

این نظریه مستقیماً بر پاک‌ی روان تمرکز دارد و معتقد است هدف نظام حقوقی باید درمان و اصلاح مجرم و بازگرداندن او به جامعه به عنوان فردی سالم باشد.

د:مکاتب فکری

مکتب کلاسیک حقوق کیفری (بکاریا): بر پیش‌بینی‌پذیری مجازات‌ها و تعدیل آنها برای جلوگیری از ظلم تأکید دارد.

مکتب نئوکلاسیک: عوامل فردی مجرم را نیز در نظر می‌گیرد [11-14].

مکتب دفاع اجتماعی نوین (مارک آنسل): بر بازپروری و ادغام مجدد اجتماعی مجرم تأکید می‌کند. این مکتب بسیار به موضوع مقاله شما نزدیک است.

ت:منابع روانشناسی قانونی و جرم‌شناسی

این منابع به صورت عملی به تأثیر زندان، مجازات و برنامه‌های اصلاح و تربیت بر روان مجرمین می‌پردازند.

ث:آثار مربوط به آسیب‌شناسی زندان

نظریه پرداز بزرگی که در مورد رنج‌های زندان و تأثیر منفی محیط زندان بر هویت و روان افراد تحقیق کرده است.



پدیده زندان زادی: اینکه چگونه مجرمین به زندگی در زندان عادت کرده و توانایی زندگی در دنیای خارج را از دست می‌دهند. این مفهوم خلاف پاکی روان است.

ج: برنامه‌های اصلاح و درمان منابعی که به بررسی اثربخشی برنامه‌هایی مانند مشاوره روانشناسی، درمان اعتیاد، آموزش مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای در زندان‌ها می‌پردازند. این منابع شواهد تجربی برای تأثیر مثبت نظام حقوقی ارائه می‌دهند. ج: جرم‌شناسی انتقادی

این مکتب ممکن است استدلال کند که نظام حقوقی خود می‌تواند با برچسب‌زنی و استیگما، فرد را در هویت مجرمانه خود فرو ببرد و مانع پاکی او شود.

ج: مفاهیم اخلاقی و فقهی توبه: در اسلام، توبه به عنوان یک راهکار درونی برای پاکسازی روح از گناه شناخته می‌شود. این سؤال مطرح است که آیا نظام حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز توبه واقعی باشد یا خیر. اصلاح ذات البین، بسیاری از اهداف حقوق کیفری اسلام بر پایه اصلاح و مصلحت است. قصاص و دیه: این مجازات‌ها را می‌توان از منظر سزادهی و همچنین ایجاد آرامش برای جان بازماندگان (پاکی روان مجنی علیه و جامعه) بررسی کرد [15-18].

منابع حقوقی-سیاسی (ساختار نظام حقوقی)

نوع نظام حقوقی به خودی خود یک متغیر بسیار مهم است. مقایسه سیستم‌های کیفری، سیستم‌های سخت‌گیرانه، که بر مجازات شدید تأکید دارند. منابعی که به بررسی تأثیر این سیستم‌ها بر نرخ تکرار جرم و وضعیت روانی زندانیان پرداخته‌اند. سیستم‌های ترمیمی، این سیستم به جای مجازات، بر التیام زخم‌های قربانی، پذیرش مسئولیت توسط مجرم و بازگرداندن او به جامعه تمرکز دارد. این سیستم مستقیماً با مفهوم پاکی روح و روان هر دو طرف درگیر سروکار دارد. قوانین موضوعه، قانون مجازات اسلامی ایران، به ویژه در بخش‌هایی که درباره سقوط مجازات‌ها (مثلاً با توبه) یا تعلیق مجازات و آزادی مشروط صحبت می‌کند. این موارد نشان‌دهنده نگاه قانونگذار به امکان اصلاح مجرم است. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، که در آن به برنامه‌های آموزشی، حرفه‌ای و تربیتی برای زندانیان اشاره شده است.

مبانی نظری و مفهومی

۱. پاکی روح و روان در چارچوب حقوقی و اخلاقی

پاکی روح و روان به عنوان حالتی از تهذیب نفس و دوری از انحرافات اخلاقی تعریف می‌شود که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نظام حقوقی قرار گیرد. در آموزه‌های دینی، مجازات نه تنها به عنوان یک پاسخ به جرم، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تزکیه نفس و بازگشت مجرم به مسیر صحیح تلقی می‌شود.

۲. اهداف مجازات در نظام حقوقی

اهداف مجازات در نظام حقوقی ایران شامل سزادهی، بازدارندگی، اصلاح و بازپروری مجرم، و حفظ نظم اجتماعی است. این اهداف باید به گونه‌ای طراحی شوند که به پاکی روح و روان مجرم کمک کنند. برای مثال، مجازات‌های تعزیری که در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌اند، اغلب با هدف اصلاح مجرم و بازگرداندن او به جامعه وضع می‌شوند.

نقش نظام حقوقی در تأثیرگذاری بر پاکی روح و روان مجرم

۱. تأثیر مجازات‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی



نظام حقوقی ایران که مبتنی بر فقه اسلامی است، به مجازات‌ها بعد اخلاقی و روحی می‌دهد. مجازات‌هایی چون قصاص، حد و تعزیر، علاوه بر جنبه سزادهی، به عنوان وسیله‌ای برای تزکیه نفس و پاک‌سازی روح مجرم از گناه در نظر گرفته می‌شوند. به طور مثال، مجازات قصاص با ایجاد آرامش برای خانواده مقتول و مجرم، به پاک‌سازی روانی هر دو طرف کمک می‌کند.

۲. نقش پیشگیری از جرم در پاک‌سازی روانی

پیشگیری از جرم به عنوان یکی از راهبردهای اساسی نظام حقوقی، می‌تواند با کاهش انحرافات اجتماعی، به پاک‌سازی روح و روان مجرم کمک کند. برنامه‌های پیشگیری که شامل آموزش‌های اخلاقی و تربیتی هستند، باعث کاهش تمایل افراد به ارتکاب جرم و تقویت وجدان اخلاقی می‌شوند.

۳. بازپروری و اصلاح مجرم

نظام حقوقی با اجرای برنامه‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها و مراکز اصلاح و تربیت، می‌تواند به پاک‌سازی روح و روان مجرم کمک کند. این برنامه‌ها شامل آموزش‌های دینی، روان‌درمانی، و مهارت‌آموزی هستند که هدف آنها تغییر نگرش مجرم و آماده‌سازی او برای بازگشت به جامعه است.

۴. تأثیر اخلاق بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی

قوانین کیفری که مبتنی بر اخلاق و ارزش‌های دینی هستند، به طور مستقیم بر پاک‌سازی روح و روان مجرم تأثیر می‌گذارند. جرم‌انگاری رفتارهای مغایر با عفت و اخلاق عمومی، باعث ایجاد محیطی پاک و سالم می‌شود که در آن مجرم فرصت برای تزکیه نفس پیدا میکند.

چالش‌های نظام حقوقی در تأثیرگذاری بر پاک‌سازی روح و روان مجرم

۱. چالش‌های تقنینی

یکی از چالش‌های اساسی، ناکارآمدی قوانین سنتی در برخورد با جرائم نوظهور مانند جرائم شرکتی است. قوانین سنتی نمی‌توانند به خوبی به ابعاد روانی و اخلاقی این جرائم بپردازند.

۲. چالش‌های اجرایی

ضعف در اجرای برنامه‌های اصلاحی و تربیتی در زندان‌ها، باعث کاهش تأثیر نظام حقوقی بر پاک‌سازی روح و روان مجرم می‌شود. همچنین، کمبود امکانات و منابع، باعث ناکامی در اجرای مؤثر این برنامه‌ها شده است.

۳. چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

فقدان فرهنگ سازی مناسب در زمینه اهمیت پاک‌سازی روح و روان مجرم، باعث بی‌توجهی به این بعد از مجازات شده است. همچنین، نبود مشارکت جامعه در فرآیند بازپروری مجرمین، از تأثیرگذاری نظام حقوقی می‌کاهد. می‌توان این تأثیرگذاری را از دو منظر کلان بررسی کرد:

نظام حقوقی به عنوان یک عامل بازدارنده و تصحیح‌کننده (نگاه ابزاری)

نظام حقوقی به عنوان یک عامل تربیتی و اخلاق‌ساز (نگاه آرمانگرا)

در ادامه، این دو نگاه را به تفصیل تحلیل می‌کنیم.

تحلیل تأثیر نظام حقوقی بر پاک‌سازی روح و روان مجرم

پاک‌سازی روح و روان مجرم به حوزه اخلاق و دین تعلق دارد تا حقوق. حقوق عموماً با رفتارهای بیرونی سروکار دارد، در حالی که پاک‌سازی روح یک حالت درونی است. با این حال، نظام حقوقی می‌تواند بستری فراهم کند که مجرم را به سمت تزکیه درونی سوق دهد یا از آن بازدارد.



۱. مکانیسم‌های تأثیرگذاری مثبت

۱.۱. ایجاد فرصت برای توبه و جبران

یک نظام حقوقی مترقی که بر بازپروری تمرکز دارد، به مجرم این فرصت را می‌دهد که ضمن تحقق مجازات، مهارت‌های زندگی بیاموزد، درمان شود (مانند درمان اعتیاد یا روان درمانی) و برای بازگشت به جامعه آماده گردد. این فرآیند می‌تواند احساس گناه و شرم را کاهش داده و عزت نفس از دست رفته را بازگرداند که گامی ضروری به سمت پاکی روان است. مجازات‌های جایگزین حبس (مانند خدمات عمومی) به مجرم اجازه می‌دهد با انجام کارهای مثبت، به نوعی خطای خود را جبران کند. این عمل جبران، یکی از ارکان اصلی تزکیه نفس در بسیاری از مکاتب اخلاقی است.

۱.۲. اعتراف و اقرار درونی از طریق محاکمه عادلانه:

یک دادرسی منصفانه و عادلانه که در آن به مجرم حق دفاع داده می‌شود و تمام ابعاد پرونده به درستی بررسی می‌شود، می‌تواند باعث شود مجرم به صورت درونی نیز بپذیرد که سزاوار مجازات بوده است. این پذیرش، برخلاف احساس ظلم‌دیدگی که مانع پاکی روان می‌شود، نقطه آغاز تحول درونی است.

۱.۳. آموزش و آگاهی‌بخشی

نظام قضایی می‌تواند با مجازات مجرم، یک آموزش عمومی غیرمستقیم ارائه دهد که هر عملی عواقبی دارد. این آگاهی می‌تواند از تکرار جرم توسط مجرم و دیگران جلوگیری کند و جامعه‌ای با وجدان جمعی قوی‌تر بسازد.

۱.۴. ایجاد احساس امنیت و آرامش برای جامعه و قربانی

وقتی مجازات عادلانه اجرا شود، قربانی یا خانواده او احساس می‌کنند حقشان استیفا شده است. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا بتوانند گذشت کنند یا به آرامش نسبی برسند. از طرفی، این آرامش جامعه می‌تواند فضایی را ایجاد کند که مجرم پس از آزادی، با پذیرش بیشتری مواجه شود که خود در پاکی روان او مؤثر است.

۲. محدودیت‌ها و چالش‌ها (چرا نظام حقوقی به تنهایی برای پاکی روان کافی نیست؟)

۲.۱. تفاوت بین ترس و تزکیه:

نظام حقوقی عمدتاً بر پایه بازدارندگی عمل می‌کند. مجرم ممکن است تنها به دلیل ترس از مجازات، دست به جرم نزند. این حالت با پاکی درونی که ناشی از شناخت اخلاقی و وجدان است، فاصله زیادی دارد. ترس، نفس را کنترل می‌کند اما آن را پاک نمی‌کند.

۲.۲. نظام حقوقی نمی‌تواند وجدان را مجبور کند:

پاکی روح یک انتخاب آزاد و درونی است. قانون می‌تواند رفتار را تنظیم کند، اما نمی‌تواند عقیده، نیت یا احساسات درونی فرد را تغییر دهد. یک مجرم ممکن است مجازات شود اما هرگز احساس پشیمانی واقعی نکند (مانند مجرمانی که خود را قربانی می‌دانند).

۲.۳. خطر ایجاد احساس تنفر و کینه

اگر نظام حقوقی تنها بر مجازات خشک و سخت تأکید کند و برچسب "مجرم" را به فرد بزند، ممکن است باعث انزوا، سرخوردگی و کینه‌توزی بیشتر او شود. چنین فردی نه تنها به سمت پاکی روان نمی‌رود، که ممکن است به لحاظ اخلاقی نیز سقوط کند.

۲.۴. نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی

بسیاری از جرائم ریشه در فقر، بی‌عدالتی اجتماعی، نابرابری و فقدان آموزش دارند. تا زمانی که این عوامل برطرف نشوند، نظام حقوقی تنها به درمان symptoms (علائم) می‌پردازد و به ریشه بیماری (که فساد اخلاقی ناشی از محیط است) کاری ندارد.

۳. مقایسه رویکردهای مختلف حقوقی



نظام کیفری سزاگرا: بر مجازات و چشماندن تأکید دارد. تأثیر آن بر پاکی روان معمولاً کم و حتی منفی است، چرا که خشم و انتقام را دامن می‌زند.

نظام کیفری ترمیمی: بر جبران خسارت برای قربانی و جامعه و بازگشت مجرم به آغوش جامعه تمرکز دارد. این نظام پتانسیل بسیار بالاتری برای کمک به پاکی روان هر دو طرف (قربانی و مجرم) دارد، زیرا فرآیند عذرخواهی، پذیرش و بخشش را تسهیل می‌کند.

نظام حقوقی الهام گرفته از شرع (مانند فقه اسلامی): در این نظام، مفاهیمی مانند توبه به صراحت مطرح است. اگر مجرمی توبه کند، هم مجازات اخروی او بخشیده می‌شود و هم در برخی موارد، مجازات دنیوی او ساقط یا تخفیف می‌یابد. این مکانیسم، یک انگیزه قوی درونی برای پاکی روح و روان ایجاد می‌کند و نظام حقوقی را به حوزه اخلاق گره می‌زند.

تئوری ایده آل کاتوزیان

کاتوزیان معتقد بود یک نظام حقوقی عادلانه و انسانی می‌تواند زمینه ساز تزکیه نفس یا پاکی روح مجرم شود. این تأثیر از چند طریق محقق می‌شود:

بازدارندگی اخلاقی (نه هراسی): نظام حقوقی باید به گونه ای عمل کند که مجرم را به سمت بازاندیشی اخلاقی سوق دهد. یعنی مجرم به دلیل احترام به قانون و درک انصاف آن، از عمل مجرمانه پشیمان شود، نه صرفاً به دلیل ترس از مجازات. این پشیمانی ناشی از درک اخلاقی، اولین قدم برای پاکی روان است.

احساس برابری و انصاف: وقتی مجرم مشاهده کند که دادگاه به او اجازه دفاع داده، به داستان او گوش کرده و بر اساس قانونی منصفانه و بدون تبعیض با او برخورد کرده است، حتی اگر محکوم شود، احساس میکند عدالت در حق او اجرا شده است. این احساس، کینه و لجابت را از دل او میزداید و او را برای پذیرش مسئولیت عملش آماده می‌کند. به عبارت دیگر، عدالت نظام قضایی، زمینه ساز عدالت درونی مجرم می‌شود.

جبران خسارت و ترمیم: کاتوزیان به رویکردهای عدالت ترمیمی تمایل داشت. در این رویکرد، هدف اصلی مجازات، تنبیه مجرم نیست، بلکه جبران خسارت قربانی و بازگرداندن مجرم به جامعه است. وقتی از مجرم خواسته می‌شود تا ضرری را که وارد کرده جبران کند (مثلاً با کار اجباری برای جامعه یا پرداخت خسارت)، این عمل به او احساس "پاکسازی" و "جبران" می‌دهد. او با عمل مثبت خود، بخشی از (خطای خود را) (اصلاح) می‌کند.

نظریه دکتر کاتوزیان که بیان می‌کند "حقوق نظامی است اجتماعی، هدف آن تنظیم روابط اجتماعی است نه پاکی روح و وجدان انسان‌ها" این جمله در مقابل دیدگاه‌هایی قرار می‌گیرد که حقوق را با اخلاق یا مذهب یکسان می‌دانند. کاتوزیان با این جمله حد و مرز حقوق را به وضوح ترسیم می‌کند.

۱. حقوق نظامی است اجتماعی

حقوق در جامعه معنا پیدا می‌کند: حقوق خارج از چارچوب جامعه و روابط بین انسان‌ها وجود ندارد. اگر فردی به تنهایی در یک جزیره زندگی کند، مفهومی به نام "حقوق" ندارد. حقوق زمانی متولد می‌شود که حداقل دو نفر در کنار هم زندگی کنند. **ناظر به اعمال بیرونی است:** حقوق فقط به رفتارها و اعمال قابل مشاهده و بیرونی افراد توجه دارد، نه به نیت درونی و افکار آنان. برای مثال، اگر کسی در ذهن خود قصد دزدی کند اما هرگز آن را انجام ندهد، حقوق نمی‌تواند او را مجازات کند.

۲. هدف آن تنظیم روابط اجتماعی است



ایجاد نظم و امنیت: هدف اصلی حقوق، ایجاد نظم، پیش‌بینی‌پذیری و امنیت در جامعه است. قواعد حقوقی مانند قوانین راهنمایی و رانندگی، قواعد خرید و فروش (معاملات) و مقررات کیفری، همگی برای این هستند که بدانیم در روابطمان با دیگران چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم و از تضییع حقوق خود در امان باشیم.

حل اختلاف: هنگامی که روابط اجتماعی به مشکل برمی‌خورند (مثلاً دو نفر در مورد مالکیت یک ملک اختلاف پیدا می‌کنند)، حقوق با ارائه دادگاه‌ها و مراجع قضایی، ابزار حل این اختلاف را فراهم می‌کند.

۳. نه پاکی روح و وجدان انسان‌ها

این بخش کلیدی‌ترین (تقابل) را ایجاد می‌کند و حقوق را از اخلاق و مذهب متمایز می‌سازد.

تمایز حقوق و اخلاق: اخلاق به دنبال خوب بودن انسان است و به نیت و وجدان افراد می‌پردازد. ممکن است کاری از نظر اخلاقی ناپسند باشد (مثلاً دروغ مصلحت‌آمیز) اما نقض قانون محسوب نشود و مجازات نداشته باشد. برعکس، ممکن است کاری از نظر اخلاقی خنثی باشد (مثلاً رد کردن دیوار همسایه) اما از نظر حقوقی تعدی به حریم دیگران محسوب شده و قابل پیگرد باشد.

تمایز حقوق و مذهب: مذهب اغلب دغدغه نجات روح و تقرب به خدا را دارد و به تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، از نیت پنهان تا عبادات می‌پردازد. اما حقوق تنها به بخشی از رفتارها که آثار اجتماعی دارند می‌پردازد. برای مثال، حقوق برای کسی که نماز نمی‌خواند یا روزه نمی‌گیرد مجازاتی قائل نیست، زیرا این اعمال (در دیدگاه کاتوزیان) مربوط به وجدان فردی است و اثر مستقیم و فوری بر نظم اجتماعی ندارد.

بحث و بررسی میزان تأثیرگذاری

نظام حقوقی به تنهایی نمی‌تواند پاکی روح و روان ایجاد کند، اما می‌تواند بستر لازم برای آن را فراهم یا تخریب نماید. نقش اصلی نظام حقوقی ایجاد نظم، اجرای عدالت و بازدارندگی از جرم است. اینها پیش‌نیازهای یک جامعه سالم هستند که در آن امکان رشد اخلاقی افراد فراهم می‌شود. پاکی روح و روان یک فرآیند اختیاری، درونی و شخصی است که به عوامل بسیاری از جمله: تربیت خانوادگی، آموزش، باورهای دینی و اخلاقی، جامعه پیرامون و اراده فردی بستگی دارد. یک نظام حقوقی عادلانه، انسانی و بازپرورنده می‌تواند با ایجاد فرصت برای جبران، آموزش و پذیرش اجتماعی، مجرم را به سمت تزکیه نفس سوق دهد و او را یاری کند. یک نظام حقوقی خشن، ناعادلانه و سزاگرا می‌تواند مسیر پاکی روان را مسدود کند و فرد را در چرخه نفرت و جرم فرو برد در نتیجه، می‌توان گفت نظام حقوقی بیشتر یک تسهیل‌گر یا مانع برای پاکی روح و روان است تا یک علت تامه. بهترین نظام حقوقی، نظامی است که خود را مکمل نهادهای فرهنگی، آموزشی و مذهبی در راستای تربیت انسان‌های بهتر بداند و نه جایگزین آن‌ها.

نتایج

این پژوهش با هدف واکاوی رابطه پیچیده و چندبعدی میان نظام حقوقی و پاکی روح و روان مجرم انجام شد. یافته‌های تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که نظام حقوقی، صرفاً یک نهاد تنبیه‌گر یا کنترل‌کننده نیست، بلکه نقشی سرنوشت‌ساز و تأثیرگذار در فرآیند ترمیم روحی و روانی مرتکب جرم ایفا می‌کند. نتیجه‌گیری نهایی را می‌توان در چند محور کلیدی خلاصه کرد:

الف) نظام حقوقی به مثابه ابزار اصلاح و بازپروری

مطالعات نشان می‌دهد که رویکردهای نوین کیفری که بر اصلاح، بازاجتماعی‌سازی و درمان مجرمان متمرکز هستند، به‌طور معناداری بیشتر از شیوه‌های صرفاً سزاگرایانه مانند حبس‌های طولانی‌مدت بدون برنامه در دستیابی به پاکی درون مجرم موفق



بوده‌اند. نظامی که آموزش، مشاوره روانشناسی، حرفه‌آموزی و برنامه‌های جبران خسارت را در دستور کار قرار می‌دهد، نه تنها به دنبال مجازات که در پی شفاف‌شدن به علل ریشه‌ای بزهکاری و بازگرداندن فردی مفید به جامعه است.

(ب) عدالت ترمیمی: راهبرد کلیدی برای طهارت روان

یافته‌ها حاکی از برتری ذاتی عدالت ترمیمی در مقایسه با عدالت سزادهنده در تحقق هدف نهایی این پژوهش است. سازوکارهایی مانند میانجی‌گری بین مجرم و قربانی، پذیرش مسئولیت توسط مجرم و جبران مستقیم آسیب وارده، به مجرم این فرصت را می‌دهد تا با کنش فعالانه، احساس گناه و شرمساری مخرب خود را به حس مسئولیت‌پذیری و جبران تبدیل کند. این فرآیند، سنگ بنای پاکسازی روح و روان و بازیابی کرامت انسانی او محسوب می‌شود.

(ج) کرامت انسانی و رعایت حقوق بنیادین

یک نظام حقوقی عادلانه که حتی در سخت‌ترین مجازات‌ها، کرامت انسانی، حقوق دفاعی و برخورداری از دادرسی منصفانه را برای متهم محفوظ می‌دارد، به صورت غیرمستقیم اما قوی، پیام بازگشت به جامعه و شایستگی برای ترمیم را به مجرم انتقال می‌دهد. برعکس، نظامی که با تحقیر، شکنجه یا نادیده گرفتن حقوق اولیه همراه باشد، خود به عاملی برای ایجاد کینه، احساس بی‌عدالتی و در نتیجه، مانعی بزرگ در راه پاک‌سازی درون تبدیل می‌شود.

(د) محدودیت‌های ذاتی نظام حقوقی

با وجود همه تأثیرات مثبت، باید اذعان داشت که نظام حقوقی به تنهایی عامل کافی برای دستیابی به پاک‌سازی مطلق روح و روان نیست. این فرآیند، شدیداً متأثر از عوامل درونی فرد مانند انگیزه، پشیمانی و اراده تغییر حمایت‌های اجتماعی، خانوادگی و همچنین عوامل فرهنگی و اقتصادی است. نظام حقوقی می‌تواند بستر و فرصت لازم را فراهم کند، اما نمی‌تواند مجبور به تغییر درونی کند.

در کل نظام حقوقی نه یک ناظر بی‌طرف، که بازیگری فعال در سرنوشت روانی مجرم است. این پژوهش نشان می‌دهد که میزان تأثیرگذاری این نظام بر پاک‌سازی روح و روان مجرم، در گرو تغییر پارادایم از عدالت کیفری محض به سوی عدالت ترمیمی-اصلاح‌گرا است. یک نظام حقوقی خردمند و انسان‌محور، با در پیش گرفتن رویکردی درمان‌گرا، مشارکت‌جو و محترم‌شمردن کرامت انسانی، می‌تواند مهم‌ترین نقش را در هدایت مجرم به سمت پاکسازی درونی، جبران خطا و نهایتاً بازگشت به عنوان شهروندی مسئول ایفا کند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که کارآمدی یک نظام حقوقی را نباید صرفاً در آمار کاهش جرم، که در تعداد افرادی که با روح و روانی پاک‌تر از چرخه آن خارج می‌شوند، سنجید.

نظریه کاتوزیان بر عملگرایی و عرفی‌گرایی حقوق تأکید دارد. این نظر می‌کوشد قلمرو حقوق را به عنوان یک علم مستقل تعریف کند و آن را از حوزه‌های اخلاقی و اعتقادی جدا سازد. هدف نهایی این دیدگاه، ایجاد یک سیستم حقوقی کارآمد، قابل اجرا و پیش‌بینی‌پذیر است که بتواند نظم اجتماعی را بدون ورود به حریم خصوصی وجدان و اعتقادات افراد برقرار کند.

منابع

خان علی پور و اجارگاه، سکینه (۱۴۰۱)، «مطالعه تطبیقی اصول حاکم بر کیفرگزینی در حقوق کیفری ایران و آلمان»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۱.

رحیمی، علی (۱۳۸۹)، تناسب جرم و مجازات، تهران: مجد رضاپور، محمدجواد و محمدحسین رجبیه (۱۳۹۷)، «چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و شرکت‌های هرمی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۴۱.

شریفی، محسن (۱۳۹۴)، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، تهران: میزان شریفی، محسن، محمدجعفر حبیب زاده و محمد فرجی‌ها (۱۳۹۳)، ارزیابی ضمانت اجرای کیفری نسبت به اشخاص حقوقی (تحلیل ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی)، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۲، شماره ۳.



صادق نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶)، تحلیل جرائم شرکتی در پرتو نظام های اقتصادی، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۹۹. غیاثوند، سعید، ساجده موسوی، فاطمه زند و میترا بسیوند (۱۴۰۲)، جایگاه اصل فردی کردن مجازات ها در میان اصول حاکم بر مجازات ها، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۳. قپانچی، حسام، حمیدرضا دانش ناری و ناهید موسوی (۱۳۹۳)، «جرائم مالی شرکتی از گونه شناسی تا علت شناسی»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۶.

Bertrand, Olivier, Fabrice Lumineau, and Evgenia Fedorova. 2014. The supportive factors of firms' collusive behavior: Empirical evidence from cartels in the European Union. *Organization Studies*, no.35.

Braithwaite, J., & Ph. Pettit (1994), "Three Rs of republican sentencing, current issues in criminal justice", *Current Issues in Criminal Justice*, Vol. 5, no. 3. Cavadino, M., & J. Dignan (2002), *The Penal System: An Introduction*, 3 rd end, M02 5 - 406 pages, London: SAGE Publications.

Florjin, N. A, (2008), *Quality of Legislation: A law and Development project*, Amesterdam: Leiden University press.

Gruner, R. S., & W. A. Hancock. (1997), *Corporate Crime and Sentencing*, second edition, Charlottesville: Michie Publishing Company.

Jaspers, J. D. (2017), "Managing cartels: How cartel participants create stability in the absence of law", *European Journal on Criminal Policy and Research*, no. 23.

Lord, N., & M. Levi (2017), "Organizing the finances for and the finances from transnational corporate bribery", *European Journal of Criminology*, no. 14. Pearce, F., & J. Grasso (2011), "Corporate environmental crime: A review of the literature", *Journal of Business Ethics*, vol.101, no. 3.

Pieth, M., & R. Ivory (2011), *Emergence and Convergence: Corporate Criminal Liability Principle in Overview*, vol. 9, Springer, Dordrecht, Netherlands.

Poto, M. (2007), "The Principle of Proportionality in Comprative Prespective", *German law Jornal*, Vol.8, no. 9.

Simpson, Sally S., (2002), *Corporate Crime, Law and Social Control*, Cambridge University Press, First published.